

# نظری تازه به عرفان و تصوف

سؤال و جوابی است بین یک جوینده و یک مرد عارف  
مجلس بیستم

فرمود : امروز میخواهم به دوره‌ی مذاکراتمان خاتمه دهم و امیدوارم آنچه تا به حال  
گفتم برایت سودمند بوده است .

عرض کردم از اینکه این مجلس خاتمه مییابد بی نهایت اندوهناکم ولی باید عرض کنم  
همانطور که ستوبقم فرمودید در نتیجه‌ی دستورات و تمرینها خود را شخص تازه‌ای حس  
نیکم را امیدوارم بیش از این پیشرفت کنم .

فرمود : اگر عمری باشد روابط ما باهم قطع نمیشود . ولی چون یکسلسله مطالب  
مرتبط به هم راجع به تصوف گفته شد زود یا دیر میبایستی به آن خاتمه دهیم .

اگر در این مدت طولانی توجه کرده باشی من یک آرزوی بزرگ دارم و آن گسترش  
تصوف است . همانطور که چندین بار اشاره کرده‌ام من یقین دارم اگر این مکتب بسط یابد  
بطوریکه در طبقات مختلف مردم عده‌ی قابل ملاحظه‌ای پیرو آن شوند طرز اخلاق و تفکر  
اجتماعی ما تغییر میکند و به تدریج مردمی تربیت میشوند که به معنای حقیقی آزاد مرد ،  
پابست به شرافت انسانی ، صاحب اخلاق ممدوح ، و مبرا از رذائل حیوانی خواهند بود  
چنین مردمی در انجام وظائف اجتماعی خود قصور نمیکند ، نسبت به خلق شفیقند ،  
به درماندگان بذال و در حق آنانکه در مخاطره اند فداکار و اهل ایثار .

درویشی و تصوف تنبلی نیست ، در تمام دوران تصوف صوفیان مرد کار بوده‌اند و  
در موقع جهاد نیز از ایثار جان مضایقه نکرده‌اند . این شهرت غلط که در ایش را به تنبلی  
معروف کرده عمل یک عده گدای کلاش درویش ناست که خود را برای نمایش در انظار به  
لباس درویش در آورند و با شارب و تبرو کسکول ادعای فقر و تصوف کنند . این شیادان  
را با عالم تصوف چه کار ، راست است درویش در زندگی شخصی خود قانع است بیش از  
اعتدال مال نمیاندوزد و خود را در راه افزون طلبی و هوس بازی و همچشمی بدبخت و  
بیچاره نمیسازد . راحتی و آرامش روح را بالاتر از این چیزها میداند . لذا لذت و آسایشی

که درویش راه رفته درک میکند بالاتر از لذتهائی است که با مکیفات یا با حیط‌های شهوت انگیزجنسی یا نمایش زور زبور به دست‌می‌آید . درویش اگر در خدمت‌است چه خاص و چه عام برای پیشرفت کار مؤسسه‌اش به کارمندان و کارگران درستکار متوسل میشود و در اطراف دستگاه خویش محیط سالمی ایجاد میکند که سر مشق سایرین باشد .

اگر در یک قومی خدای‌نخواستۀ فساد مستقر شود دفع آن به وسائل زور و سختگیری چندان مؤثر نیست . باید توجه داشته باشیم که فساد تنها به مسائل مالی محدود نیست فساد منحصراً به دزدی ، رشوه‌گیری ، زد و بند و کلاه‌برداری نیست . عهد شکنی ، بدسـ قولی ، بی‌ناموسی ، ناتوزنی ، کم کاری ، بی ادبی ، فخر فروشی ، ریاست مآبی ، قصور در انجام وظیفه و صدها صفات ناپسندیده دیگر هست که از عوامل فساد هستند و اگر بخواهیم به وسیله مأمورین از این فساد ها جلوگیری کنیم چه بسا که خود این مأمورین هم خالی از فساد نباشند !

ولی اگر عده‌ای در مراتب و مدارج و مشاغل مختلف به تصوف‌گرایند بعد از مسدود نسبتاً "کوتاهی مردمانی با فضیلت خواهند شد که نه تنها علامتی از فساد در آنها باقی نخواهد ماند بلکه خود میتوانند مری منحر فین شوند و آنان را به صراط مستقیم هدایت نمایند . همچنین این صوفیان صافی اولاد خود را به طریق تصوف تربیت میکنند و از همان ابتدا اصول اخلاقی را به آنان تلقین مینمایند . نتیجه خیلی زود به دست نیاید ولی همینکه درخت به گل نشست اثمارش دائمی خواهد بود . کارهای بزرگ ریشه‌دار را نمیشود برق‌آسابه وجود آورد و اگر در انجام کار عجله کنیم بنائی باظاهری فریبناکه پایه‌ی آن بر رمل قرار دارد نتیجه خواهد شد .

من گمان دارم اولیاء امور در این راه بتوانند به خوبی کمک نمایند . به شرطی که از همان اول مآبوس نباشند . پیشنهاد من این است که اصول مقدمات تصوف را به نحوی ساده‌تر از آنچه من در مجالس سابق ذکر کردم در دبستانها و دبیرستانها به عنوان اخلاقی تدریس نمایند این خود زمینه را برای جوانانی که راغب به تصوف باشند فراهم خواهد آورد .

همچنین وزارت فرهنگ و هنر و وزارت آموزش و پرورش ( که فعلاً از پرورش فقط اسمی دارد ) با همکاری رادیو و تلویزیون میتوانند برنامه‌هایی ترتیب دهند که مشوق افکار تصوف و عرفان باشد ( نه تقلید از رقصهای مولوی به صورت کاریکاتور ) . این کار اگر با برنامه‌ی صحیحی انجام شود بسیار مؤثر خواهد بود . مقامات عالی‌کُشور خود میتوانند سر مشقهای عالی اخلاقی برای سایرین باشند . ما جنسا " مقلد هستیم پس چه بهتر کاری بکنیم که از اعمال نیک تقلید شود . اگر وزیری در زندگانی خود سادگی را شعار خود سازد مثلاً هیچ پذیرائی

نکنند که بوی نوکیسگی از آن آید ، به چنین میهمانی نروید ، دفتر کار خود را به سادگی بیارید و صدها چیز دیگر آنوقت تمام کارمندان آن وزارتخانه تغییر خواهند کرد و به مردمی معتدل و وظیفه شناس تبدیل خواهند شد . میگویند بعضی از صاحبان صنایع که در نتیجه کار و زحمت از هیچ به همه چیز رسیده‌اند طبیعی است که آرزو مندند زندگانی با شکوهی برای خود ترتیب دهند که اسراف ، زیاده روی ، خود نمائی ، تفریط و چیزهای دیگر از لوازم آن است . من یقین دارم اگر مرد صوفی برادرانه با چنین اشخاصی صحبت کند و بی — مقدار بودن این کارها را به آنها حالی کند و ارزش واقعی اخلاق و معنی شرافت انسانی و خدمت به خدا و خلق را به آنان بفهماند دیری نخواهد گذشت که تغییرات محسوسی در اخلاقشان پدید خواهد آمد و در راه پرلذتی که اول متوجه نبوده‌اند وارد خواهند شد . بدبین نباشید . نگوئید . امتحان کاری است آسان . ای مخاطب ناشناس من اگر مردی از خودت شروع کن !

اینک روی سخن من به اقطاب ، پیران و مرشدهای سلسله‌های مختلف است . آیا حرفهای من بی اساس است ؟ آیا با ترویج تصوف نمیشود مردم را تربیت کرد ؟ و راهی نو به آنان نشان داد ؟ اگر بگوئید نه میگویم پس شما چه انجام داده‌اید ؟ آیا وجدان شما با ساختن چند خانقاه و جمع شدن ، دم گرفتن و دیگ جوش خوردن ارضامیشود ؟ آیا شما مریدان خود را میشناسید ؟ آیا میدانید میان آنها صدها هستند که نه تنها صوفی نیستند بلکه از خولی هم بدترند ؟ آیا این عناصر آبروی فقر و درویشی رانمیرند ؟ آیا مواظب رفتار آنها هستید ؟

آیا در صدد تصفیهی آنها برآمده‌اید یا اینکه همین سیاهی لشکر و انبوه مرید کفایت میکند ؟ پیران عزیز ارجمند . من بیش از پنجاه سال وقت خود را صرف این مطالعات کرده‌ام . هیچ ادعائی هم ندارم ، عاشق مکتب تصوف ، چشم داشتهای بزرگی به این مکتب دارم . چون میبینم این گنج در خرابه پنهان است و کسی در صدد کشف آن نیست رنج میبرم . به همین جهت از شما بزرگان که هر کدام داعیه‌ای دارید عاجزانه میبرسم آیا در برابر علی امیرالمؤمنین (ع) پیشوای بزرگوار همه که دم از ولای او میزنید و جدانتان راحت است ؟ آیا در ته دل از هیچ چیز شرمسار نیستید ؟ اگر داعیه‌ی جاه و مقام ندارید و واقعاً " به مقام بقاء بعد از فنا رسیده‌اید دیگر دنیا در چشمتان نباید ارزشی داشته باشد . فقط خلق خدا هستند که نیازمند کمکنند . پس چرا با هم جمع نمیشوید ، جلساتی با هم خلوت نمیکند تا راهی برای هدایت مردم پیدا کنید ؟ نمیگویم همه در زیر لوای یک نفر جمع شوید و او را به ریاست برگزینید . چون انسان را میشناسم و میدانم چنین شهامت و از خود گذشتگی ندارید . هر کس مریدان خود را اداره کند . ولی در آن مجامع سران که ممکن است محرمانه

باشد راههای کلی را در تربیت مرید اتخاذ کنید به طوریکه کمال مطلوب همه یکی باشد . ممکن است فروع باهم قدری مختلف ولی اساس یکی باشد . اگر چنین کاری صورت گیرد مقام تصوف و درویشی در انظار بالا خواهد رفت و مردم خواهند فهمید که درویش غیر از آن آدم تنبل و لاپهالی است که تصور میکردند . برای خود شمام ( اگر حب جاه در دلتان باقی است ) این رویه موجب شهرت میشود . احترامتان به حق نزد مردم زیاد میشود در نتیجه گسترش خدمت اجر معنوی به درجات بیشتر میشود . آیا حاضرید ؟ یا جرأت دارید ؟ آیا واقعا " به عرفان و تصوف اعتقاد دارید ؟ اگر جوابها مثبت است پس انظارتان چیست ؟

من آنچه شرط بلاغ است باتو میگویم تو خواه از سخنم پندگیر و خواه ملال عزیزم باز روی سخنم باتو است . مدت ها به حرفهای من گوش کردی و یادداشت کردی . مسائل مهمی را که به نظرم رسید برایت گفتم . مخصوصا " سعی کردم از لفاظی و نظریه بازی احتراز کنم . مطالب به طور ساده و عملی گفته شد که هرکس بتواند به کار بندد . تمرینات و تکالیف شاق نیست . شوق و همت میخواهد . شخص لازم نیست حتما " به درجهی کامل مکمل برسد . آنها هم که رسیده اند انگشت شمارند . همینقدر که شخص مقدمات را عمل کرد و به ارزش شرافت انسان پی برد آدم دیگری میشود که هم برای خود او زندگی معنای دیگری پیدا میکند و هم خود او برای تربیت مقدماتی دیگران ارزش خاصی پیدا میکند .

من در این گفتگوها سعی کردم از تو یک آموزگار دبستان تصوف تربیت کنم که بتوانی مقدمات را به عدهای بیاموزی . اگر در همین حدود کامیاب شوی به درگاه باری شاکر باش که از بسیاری از مدعیان قطبیت تا این اندازه هم استفاده نشده است . به خداوند امیدوار باش . قدر خدمت کسی ضایع نمیشود . هر قدر بیشتر فداکار متواضع و با ادب باشی بهمان نسبت مأجور خواهی بود و در کارت که هدایت مردم است پیشرفت خواهی کرد . هیچوقت واعظ غیر متعظ مباش اگر خرما خوردهای منع خرما خور مکن . از خدا برایت توفیق استغاثه میکنم و به مولایت میسپارم .

#### سخنی از جوینده

در نتیجهی اصرار من بنده مرد شریف عارفی که افتخار دوستیش را دارم اجازه داد یادداشتهایی که من از فرمایشات او کرده ام منتشر شود . من هم به نوبه خود آرزو مندم که کمال مطلوب آن مرد عارف که گسترش مکتب تصوف است در نتیجهی انتشار این یادداشتها تا حدود امکان پیشرفت کند . آمین یارب العالمین